



کتابخانه ایرانی شهرانزهر
 1986
 Iranische Bibliothek in Hannover

بجای دیگر

سال چهارم ☆ اردان کمیته گردسماک ☆ سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارها ☆ شماره ۴۸ فصل ۵۰ روزنامه

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی
 سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارها
 اعتصاب غذای متحد زندانیان
 سیاسی اوپن و گوهر دشت

اطلاعیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی
 سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارها
 تظاهراتی خمینی برای ادامه جنگ و
 گسترش انقلاب اسلامی را در هم
 بشکنیم

خاتواده پیشمرگان، زندانیان سیاسی
 و شهدای خلق کرد را سازمان دهیم

عملیات پیشمرگان
 سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارها
 در مناطق سردشت و پیرانشهر

اتحاد عمل برای قانون کار انقلابی دمکراتیک و
 سکتار یسه حزب کمونیست کومک

در پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان
 سیاسی اوپن و گوهر دشت

راز خرد شده زاینده
 ۲۷ صفحه

از تجربه صندوقهای شمیاری مالی
 کارگران شاهو و پوشاک سفدج بیاموزیم
 ۱۵ صفحه

رژیم جمهوری اسلامی:
 حکومت زندان و شکنجه و مرگ

نمونه‌هایی از باجگیری و کدایی رژیم
 از مردم شهرهای کردستان
 ۲۳ صفحه

افرایش اعمال فشار به زحمتکشان روستا
 ۲۵ صفحه

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (اراه کارگر)

تقلاهای خمینی برای ادامه جنگ و گسترش "انقلاب اسلامی" را در هم بشکنیم

کارگران، زحمتکشان، مردم آزاد بخواه ایران!

کشتار جمعه گذشته در مکه که در جریان آن صدها زائر ایرانی و غیرایرانی در پای منافع و منازعات ارتجاعی رژیم جنایتکار خمینی و سعودی قربانی شدند، فرصت جدیدی برای رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورده است که با برانگیختن احساسات و تعصبات مذهبی، توده‌های ناآگاه، قربانیان باز هم بیشتری را به کشتارگاه‌های جهنمی جنگ بکشاند. در نتیجه این واقعه فاجعه بار امکان گسترش جنگ ۷ ساله ایران و عراق به سطح منطقه افزایش یافته و اکنون بیست و یک روز از هر زمان دیگر به یک خطر جدی تبدیل شده است.

فاجعه جمعه گذشته مکه یکی از نخستین نتایج دور جدید عوام‌فریبی "ضد امپریالیستی" رژیم خمینی است این رژیم جنایتکار در شرایطی که در داخل کشور و در صحنه بین‌المللی به انزوای کامل رانده شده یکبار دیگر به بازی عوام‌فریبانه "ضد امپریالیستی" و مستضعف‌پناهی روی آورده تا بتواند جنگ ارتجاعی و ویرانگری را که ۷ سال تمام دو کشور ایران و عراق را در آتش و خون فرو برده است ادامه دهد.

حاکمیت ۹ ساله ولایت فقیه در کشور ما روشن تر از هر چیز دیگر معنای مبارزه "ضد امپریالیستی" رژیم خمینی را نشان داده است، در طول این ۹ سال تجربه شکنجه و کشتار، تجربه بازگشت به شرایط بربریت قرون وسطایی با قوانین دیات و قصاص و اجاره و جعاله، تجربه بی‌حق عمومی و وحشیانه‌ترین اشکال بهره‌کشی نشان داده است که تمام عوام‌فریبی‌های "ضد امپریالیستی" رژیم خمینی صرفاً وسیله‌ای هستند برای استقرار رژیم ارتجاعی

ولایت فقیه و خلافت اسلامی در منطقه .

تردیدی نیست که در منطقه ی ما هیچ مبارزه انقلابی بدون مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و در را سر آن علیه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن قابل تصور نیست . اما چنین مبارزه ای تنها با آگاهی انقلابی و اراده مستقل کارگران و زحمتکشان و خلق های زیرستم منطقه و برای دستیابی به آزادی و حاکمیت آنها عملی است و بنابراین ناگزیر با منافع و موجودیست رژیم جمهوری اسلامی مابینت دارد .

هم اکنون منافع و موجودیت رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق گره خورده و ادامه این جنگ زمینه و بهانه مناسبی برای تقویت حضور مستقیم امپریالیسم در منطقه بوجود آورده است . بازی " صدد امپریالیستی " رژیم خمینی فقط عوامفریبی جنایتکارانه ایست برای روانه کسردن پابرهنه ها و گودنشینان به کشتارگاههای جنگ . با تمام نیرو باید این تقلای عوامفریبانه را در هم شکست و برای پایان دادن به جنگ باید به حیات ننگین رژیم خمینی پایان داد .

مرگ بسر جنگ ، زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب !
سرنگون بـــــاد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران !

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگرا)

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اعتصاب غذای مجدد زندانیان سیاسی اوین و گوهردشت

طبق اخباری که از شکنجه گاههای رژیم ولایت فقیه رسیده است، بار دیگر موج جدیدی از اعتصاب غذا زندانیان اوین و گوهردشت را فراگرفته است. برابر آخرین خبر دریافتی در تاریخ شنبه ۳ مرداد ماه زندانیان سیاسی قهرمان این زندانها، مدت ۱۹ روز است که به اعتصاب غذای خود ادامه میدهند.

در زندان اوین بدنبال اعلام انتقال ۴۰ تن از زندانیان سیاسی توسط مزدوران رژیم اسلامی بخاطر سرکوب زندانیان سیاسی و واکنش در مقابل اعتصاب غذای خرداد ماه این زندان، زندانیان سیاسی که امکان اعدام اسرای قهرمان را پیشبینی میکردند، شروع به اعتراض نمود و اقدام به اعتصاب غذا می نمایند. در اثر مقاومت زندانیان سیاسی، رژیم اسلامی مجبور بپس عقب نشینی شده و از انتقال زندانیان سیاسی خود داری میوزد. و زندانیان سیاسی اوین پس از چهار روز به اعتصاب غذای خود پایان می دهند.

در همین زمان در زندان گوهردشت بدنبال خودسوزی یکی از زندانیان سیاسی در واکنش به شرایط جهنمی در زندان گوهردشت زندانیان سیاسی بعنوان اعتراض به آزار و شکنجه زندانیان، وضع بسیار بد غذایی و بهداشتی، و بخاطر همبستگی با خودسوزی زندانی مزبور اعتصاب غذای خود را اعلام میکنند. زندانیان سیاسی اوین با اطلاع از حادثه زندان گوهردشت و دریافت خبر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آن، به نشانه همبستگی با زندانیان سیاسی گوهردشت مجدداً به اعتصاب غذا دست می زنند، مزدوران جنایتکار رژیم اسلامی با یورش به بندها به فحش و شتم اسرای قهرمان می پردازند. هم اکنون خانواده های زندانیان سیاسی در جلسوی

زندانیان اوین و گوهردشت تجمع نموده و خواهان ملاقات با عزیزانشان هستند اما مزدوران رژیم اسلامی ملاقات زندانیان سیاسی را با خانواده‌ها قطع نموده و اعلام کرده‌اند که تا دو هفته دیگر نیز ملاقات نخواهند داد .

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با دیگر از همه سازمانهای انقلابی و دمکراتیک ایران و از همه سازمانها و محافل آزادیخواه جهان میخواهد که علیه جنایات رژیم اسلامی و در همبستگی با زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان بانگ اعتراض خود را رسانند . سازمان ما همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه و کانونهای دمکراتیک ایران در خارج از کشور را برای افشای جنایات رژیم اسلامی و حمایت از اعتصاب غذای اسرای قهرمان زندانیان اوین و گوهردشت اقدامات متحد و موثر فرا میخواند .

برای همبستگی با اعتصاب غذای اسرای قهرمان اوین و گوهردشت
متحد و متشکل اقدام کنید !

برای لغو شکنجه و اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی
متحداً بپا خیزید !

مرکز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران !

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در مناطق سردشت و پیرانشهر در پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

اوبین و گوهر دشت

در پی فراخوان دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان به تمامی نیروهای انقلابی برای پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان سیاسی اوبین و گوهر دشت، پیشمرگان قهرمان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پاسخ به این فراخوان عطیات کوبنده‌ای را علیه مزدوران جمهوری اسلامی در مناطق پیرانشهر و سردشت به اجرا درآوردند.

★ حمله به پایگاه "سپی‌کان"

شبانه ۱۷/۵/۱۶ یک دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پی شناسایی دقیق پایگاه سپی‌کان واقع در منطقه "بری مرگان" از توابع پیرانشهر برای اجرای یک طرح عطیاتی به آن نزدیک شدند.

پیشمرگان پس از استقرار بر بلندبیهای مسلط بر پایگاه به دو دسته تقسیم شده عطیات خود را بمناسبت پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان سیاسی شروع کردند.

اصابت اولین موشک آری‌جی به یکی از سنگرهای پایگاه تعدادی از مزدوران را به هلاکت رساند و زخمی نمود. همزمان با شلیک موشک آری‌جی پایگاه مزدوران از دو طرف زیر آتش بی وقفه سلسله‌های پیشمرگان دلیر قرار گرفت.

مزدوران پایگاه که انتظار چنین حمله‌ای را نداشتند غافلگیر شده و نتوان هر گونه عکس‌العملی را در ابتدای حمله از دست دادند. پس از چندی پایگاه سپی‌کان به همراه ۲ پایگاه اطراف آن دیوانه وارویی هدف منطقه را زیر آتش گرفتند.

این عطیات ۴۵ دقیقه به طول انجامید. از میزان دقیق تلفات وارد ه

بر مزدوران رژیم اطلاعاتی در دست نیست • پیشمرگان پس از اتمام عملیات همگی سالم منطقه عملیات را ترک کردند •

توپ و خمپاره باران منطقه از سوی پایگاههای مزدوران تا ساعت ۲/۵ شب ادامه داشت که بر اثر اصابت یک خمپاره به روستای سیی کان چند راس از گوسفندان اهالی این روستا تلف شدند • اما خوشبختانه زیان جانی به همراه نداشت •

★ به آتش کشیدن قسمتی از پایگاه کاولان و کشته و زخمی شدن تعدادی

از مزدوران آن

بد نبال فراخوان دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان در پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی • پیشمرگان سازمان در منطقه سردشت تصمیم گرفتند عملیاتی را به این مناسبت انجام دهند •

در تاریخ ۱۸/۵/۶۶ چند دسته از پیشمرگان پس از شناسایی کامل پایگاه کاولان واقع در منطقه سوپسنی سردشت خود را به چند ده متری اطراف پایگاه رساندند • پیشمرگان پس از استقرار در دو سمت پایگاه به انتظار دستور فرمانده عملیات ماندند • در ساعت ۸/۴۵ عملیات با شلیک موشک آری جی و رگبار بی امان سلاحهای پیشمرگان آغاز شد • در همان آغاز عملیات در اثر اصابت موشک آری جی بخشی از پایگاه به آتش کشیده شد و مزدوران هراسان و سراسیمه پراکنده شدند • به مورتی که فریاد وحشتزده آنان شنیده میشد • پس از گذشت مدتی بار دیگر یورش دلیرانه پیشمرگان بطرف پایگاه شروع شد و یکبار دیگر موشک آری جی و آتش سلاح پیشمرگان بر مواضع مزدوران باریدن گرفت •

مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش تعرض پیشمرگان با انواع سلاحهای سبک و سنگین سنگرهای پیشمرگان را مورد حمله قرار دادند و پایگاههای اطراف با خمپاره ۱۲۰ و ۸۰، دوشکا و آری جی به کمک مزدوران شتافتند • در پایان

خود مختاری، حق مسلم خلق کرد است

این مرحله از عملیات بدلیل آتش سنگین دشمن از طرف فرمانده عملیات دستور عقب نشینی به پیشمرگان داده شد. در این عملیات حداقل ۲ تن از مزدوران پایگاه به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند که از آمار دقیق آن اطلاعی در دست نیست. تمامی پیشمرگان بعد از اتمام عملیات سالم منطقه عملیاتی را ترک کردند.

سرنگون بساد رژیم جمهوری اسلامی ایران!
 برقرار بساد جمهوری دیمکراتیک خلق!
 پیروز بساد جنبش عادلانه خلق کرد!
 درود بر زندانیان سیاسی فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۶/۵/۲۱

اتحاد عمل برای

امکان مانور مییابند که هنوز صفوف نبرد کاملاً تفکیک نشده است، و این ماجرا مدتهاست که در کارزار جنبش انقلابی کشورمان به حیات خویش خاتمه داده است. آقایان زمین میچرخد و خویشید همه زوایا را روشن میکند، بیش از این برای بیتوته در سایه روشنهای خود را خسته نکنید □

پوشالی و غیر واقعی آن در برابر روشنایی پراتیک زنده مبارزه طبقاتی. اما، روند مبارزه طبقاتی پرشتاب تر از آن است که بتوان با پنهان شدن پشت پرده واقعیتها را از دیده ها پنهان ساخت. عدم مراحت و تناقض گویی در شرایطی

خانواده پیشمرگان، زندانیان سیاسی، و شهدای خلق کرد را سازمان دهیم

مقابل این رژیم ددمنش ایستاده اند و میایستند و از مبارزینی که جان برکف در این راه مبارزه میکنند، پیدریسیغ و بی پروا حمایت میکنند، اما با ایستادن و معنه رابطه خونی و عاطفی خانواده ها پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق با این انقلابیون جان برکف و بیژگیهائی را موجب میگردند که تقریباً با هیچ رابطه دیگری قابل مقایسه نیست. مادری که فرزندش دلبندش بدست مزدوران سفاک رژیم بشهادت رسیده، مادری که جگر گوشه اش را در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها و در انتظار مرگ و گاه حتی مرگی فجیع می بیند و یا مادری که فرزندش قهرمانش در نبرد با سباهیان جهل و نیستی، بخاطر زندگسی با مرگ دست و پنجه نرم میکند، پلنگ زخم خورده ایست که تاپسای جان بخاطر انتقام، بخاطر آزادی و بخاطر پیروزی میجنگد و از نثار خون خویش در این راه نیز ابائی ندارد.

تلاش بی وقفه رژیم هار و افسار گسیخته فقها برای تحکیم و تثبیت حاکمیت خویش بر کردستان و مقاومت گسترده و پیگیر توده های خلق کرد در مقابل آن، زمینه نبرد بی امانی را فراهم آورده است که از آغاز بقدرت رسیدن این رژیم قسرون وسطائی جریان داشته و دارد. روشن است که تداوم و تقویت این جنبش در رگرو دامن زدن به جنبش توده های است و تقویت مبارزات توده ها در گروسازماندهی آگاهانه آنهاست. مسلماً یکی از زمینه های مناسب برای سازماندهی توده ها در کردستان، سازماندهی خانواده ها پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق است. این درست است که اکثریت اهالی کردستان حاضر نیستند به اراده ضد انقلابی رژیم ضد بشری فقها تفکین کنند و در راستای تحقق خواسته های بحق خود در

خانواده‌های که يك یا چند عضو خود را در شرایط فوق‌الذکر می‌بینند، نمیتوانند از دل و جان مایه نگذارد. و کردستان در این زمینه نمونه‌های بسیاری داشته و دارد. خانواده‌های پیشمرگان حتی در بدترین شرایط و علیرغم تضییقات و فشارهای رژیم رابطه خود را با پیشمرگان حفظ کرده‌اند و از هیچ نوع حمایت مادی و معنوی در این راه خودداری نکرده‌اند. بسیاری از این خانواده‌ها توسط رژیم ضد بشری فقها به تحقیر فرستاده شدند، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، اما علیرغم رذالت بی حدی که مزدوران رژیم از خوردن نشان داده‌اند، آنان همچنان استوار و پابرجا ایستادگی کردند و حتی رژیم را وادار به عقب نشینی نمودند. بسیاری از خانواده‌ها بخاطر آزادی فرزندانشان یا به خونخواهی آنان در مقابل ادارات و نهاد های رژیم دست به تظاهرات و انواع دیگر مبارزات علنی زدند و ضرب و شتم و حشیانه مزدوران رژیم هرگز نتوانست آنها را از میدان بدر کند یا آنها را با انواع تهدیدات و سرکوب و حشیانه از تداوم مبارزه منصرف

گرداند. هنوز هم که هنوز است اغلب خانواده‌های شهدای خلق، چه بمناسبت دریافت خبر شهادت عضو دل‌بند خود و چه بمناسبت سالگرد شهادت او مراسمی علنی و نیمه علنی چه در منازل و چه بر سر خاک شهدا در گورستانهای شهرها برپا میکنند و خانواده‌های همدرد خود را در سطحی گسترده گرد یکدیگر جمع مینمایند و رژیم هرگز نتوانسته با اقدامات سرکوبگرانه خود، آنان را از اجرای این مراسم باز دارد. هم از انزوای که خانواده‌های پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق، همچون خنجری بر پهلو سوی رژیم فقهی اعمال کرده و در بسیاری موارد رژیم و مزدوران آنرا درمانده و مستاصل نموده‌اند. ضرورت سازماندهی این خانواده‌ها بنا بر همین ویژگیها و عملکرد خود آنان در در سالهای گذشته میباشد مورد تاکید و توجه قرار گیرد. نخستین ویژگی خانواده‌های

پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدا^ک خلق، برخوردار عاطفی آنها با مسائل در این رابطه است. واقعیت اینست که نباید صرفاً به دیدن شور انقلابی در این خانواده‌ها کلاه عمدتاً بدلیل همان رابطه خونی و عاطفی بوجود می‌آید. اکتفا نمودن این درست است که وجود رابطه خونی و عاطفی که به تعرض می‌پروای این خانواده‌ها علیه رژیم فقها منجر میشود یک نقطه قوت برجسته است. اما اگر این شور و هیجان در برخورد با رژیم و مبارزه علیه آن نتواند صیقل یافته و به حدی از شعور در مبارزه علیه رژیم، چه در زمینه مسائل امنیتی و چه در زمینه شناخت هر چه بیشتر ماهیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ارتقا^{یابد}، میتواند بعنوان نقطه ضعفی برجسته محسوب^{گردد}.

این واقعیتی است انکارناپذیر که متناسب با سطح مبارزه در کردستان بطور کلی، مبارزات خانواده‌های انقلابیون نیز در سطح بالاتری

نسبت به سایر نقاط ایران جریان دارد. و اینکه اصولاً مبارزات این خانواده‌ها علیه رژیم فقها با حمایت گسترده‌تری از سوی توده‌های انقلابی همراه بوده و با اشکال علی‌تسر و تعرضی تر نسبت به این وجه از مبارزه توده‌های در دیگر نقاط جریان داشته و به لحاظ کمیت نسبی این خانواده‌ها، وعدم توهم آنها به رژیم فقها، در وضعیت بسیبار مناسب‌تری جهت سازماندهی قرار دارند. اما با وجود این گم نبوده‌اند مواردی که بدلیل برخورد های عاطفی توهم آبی و مقطعی نسبت به رژیم و مزدوران آن خانواده‌های دچار لغزشهای ناخواسته‌ای شده‌اند که نتایج آن عدل‌طلبانه و وابستگی خود آنها تمام شده است. بنابراین باید با جمع‌بندی تجارب مبارزات خانواده‌ها، نقاط قوت و ضعف آنان را باز شناخت و با توجه به شرایط موجود اقدام به سازماندهی آنان نمود.

نکته دیگری که باید در جهت

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده‌ای

بین این خانواده‌ها را مشکل تر ساخته و نتیجتاً انرژی بیشتری را طلب میکند. بنابراین باید در جهت این وحدت علیه رژیم در میان این خانواده‌ها تبلیغات وسیعی صورت گیرد و ضرورت این وحدت در سطحی گسترده و وسیع با استدلالاتی روشن به آنان یادآوری، گوشزد و آموزش داده شود.

اما گذشته از اختلافات سیاسی که موجب انشقاق در بین خانواده‌ها مبارزین و انقلابیون فعال، در بند و شهید میشود، اختلاف طبقاتی و تعلق آنان به اقشار مختلف نیز زمینه ساز انشقاق و چنددستگی در میان این خانواده‌ها میگردد. این درست است که در کردستان و فاق عمومی بر سر مسئله ملی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه وجود دارد، اما این بدان معنی نیست که در درون جنبش ملی مبارزه طبقاتی وجود ندارد و طبیعی است که تعلق طبقاتی در مبارزات و سازماندهی خانواده‌های پیشمرگان و شهدای خلق کرد نقش خود را بازی خواهد کرد. طبیعی است که ما باید از وفاق همگانی بر سر مسئله ملی در

سازماندهی مبارزات خانواده‌های پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق کرد مدنظر داشت است که سمت و جهت‌گیری سیاسی این خانواده‌ها علی‌العموم بسا ذرایعات سیاسی عضو یا وابسته‌شان که فعال سیاسی بوده یا هست تعیین میگردد. این امر در بسیاری مواقع مانع از وحدت مبارزاتی این خانواده‌ها علیه رژیم فقها گشته و میگردد. به همین دلیل ضروری است که بر امر جلوگیری از برخورد های سکتاریستی و حتی عصبی خانواده‌ها پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای مربوط به گروههای سیاسی مختلف در جهت حفظ اتحاد و همبستگی مبارزاتی در بین آنان و جلوگیری از تاثیر اختلافات نیروهای سیاسی بر مبارزات متحد خانواده‌ها، انرژی ویژه‌ای گذاشت. این امر ویژه با توجه به اینکه در نیروی عده فعال در کردستان در حال حاضر درگیر جنگ خانگی بی ثمر هستند که جز تضعیف جنبش حق طلبانه خلق کرد هیچ دستاورد دیگری نداشته و دارد، اهمیت بیشتری پیدا میکند و تلاش در جهت وحدت مبارزاتی

هسته‌های مخفی رهبری و سازماندهی این تشکلهای ضروری است. این هسته‌های مخفی باید از مبارزترین، پر انرژی ترین، قابل اعتمادترین و آگاهترین عناصر این خانواده‌ها تشکیل شود. افرادی که بتوانند ضمن فعالیت مخفی و مبارزه با پلیس سیاسی، مبارزات خانوادگی انقلابیون را رهبری کنند. تاکید بر توان مبارزه با پلیس سیاسی رژیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که در کردستان بدلیل وجود مبارزه مسلحانه علنی و گسترده، امر مخفی کاری بویژه در میان جوانان هنوز بسته اندازه کافی تعمیق و گسترش نیافته است.

وظیفه هسته مخفی رهبری کننده شکل خانواده‌های پیشمرگان و عسارت است. تماس دائم با خانواده‌ها، تلاش در جهت گسترش وحدت، تعاون و همکاری بین آنها، تلاش در جهت پخش اخبار واقعی مبارزات بین خانواده‌ها و توده‌های اهالی و سازماندهی فعالیتهای جمعی خانواده‌ها، بر سر مزارها یا مراسم

جهت گسترش دامنه مبارزه و حفظ وحدت مبارزاتی بهره برداری نمائیم اما این عمل بدون اتکاء به توده کارگر و زحمتکش و بدون نقش محوری آنان در مبارزه امکانپذیر نیست. بنابراین در سازماندهی خانواده‌های پیشمرگان و این امر باید با تکیه هرچه بیشتر بر سازماندهی خانواده‌های کارگر و زحمتکش صورت گیرد، ضمن آنکه میبایست به توضیح ضرورت وحدت عمومی خانواده‌ها در مبارزه علیه رژیم فقها تاکید نمود، باید هر نوع تبختر و فخر فروشی خانواده‌های مرفه‌امورد انتقاد قرار داد و محور قرار دادن نقش خانواده‌های کارگران و زحمتکشان، زمینه هرچه بیشتر وحدت مبارزاتی تمامی این خانواده‌ها را فراهم آورد. اما این امر تنها با تبلیغ و توضیح امکانپذیر نبوده و اصولاً از طریق نحوه سازماندهی این خانواده‌ها و کسب هژمونی پرولتری در این سازمانها و تشکلهای توده‌ای امکانپذیر است. برای سازماندهی تشکلهای خانواده‌های پیشمرگان و در شرایط کنونی قبل از هر چیز تشکیل

یکسان، مثلاً اعتراض به شکنجه در زندانها و یا حمایت از اعتصابات زندانیان سیاسی میتواند عملاً این هماهنگی و یکپارچگی را در صورت سازماندهی موثر آنان، به بهترین وجه تحقق بخشد. ترکیب هسته مخفی رهبری کننده مبارزات خانواده‌ها باید به نوعی باشد که بتواند بیشترین اتوریته را بین خانواده‌ها کسب کند و به همین دلیل باید از عناصر مبارز خانواده‌های وابسته به جریانهای فکری مختلف و نیروهای سیاسی گوناگون در هسته وارد شوند و عبارت دقیق‌تر اگر مجموعه تشکیل از خانواده‌ه‌هایی با گرایشهای سیاسی متفاوت تشکیل میگردد، هسته رهبری آن نیز تابع همین قانون خواهد بود و ما تنها میتوانیم از طریق سازماندهی عناصر کمونیست و به اصطلاح مادران سرخ در این هسته و عملکرد فراکسیون خودمان در هسته مخفی در جهت کسب رهبری مجموعه تشکیل و بدست آوردن هژمونی در سازماندهی مبارزات اقدام نمائیم و روشن است

بقیه در صفحه ۲۲

یاد بود در خانه‌ها و غیو و همچنین سازماندهی حرکات مبارزاتی مانند اعتراضات، غو مارنویسی، تحسین و امثال آن.

مسئله دیگری که بایست در سازماندهی تشکل خانواده‌یاشمرگان و... بدان توجه نمود این است که در شرایط کنونی و بدلیل سرکوب و اختناق وحشیانه، ایجاد تشکل سراسری خانواده‌ها امکانپذیر نیست. بنابراین باید هسته‌های مخفی متعددی را بسته به تعداد خانواده‌ها و یا محدود به فعالیت آن بر مبنای سیاست عدم تمرکز بوجود آورد و دامنه فعالیت آنها را با استفاده از روابط و محافل طبیعی موجود میان خانواده‌ها گسترش داد. اما این عدم تمرکز به معنای آن نیست که تشکلهای مستقله سازماندهان نباید به هیچ وجه با یکدیگر در تماس باشند. برعکس این هسته‌ها میتوانند از طریق کانالهای طبیعی و مطمئن با یکدیگر تماس برقرار نموده و از طریق تبلیغ و طرح شعارهای واحد مبارزات خانواده‌ها را هماهنگ و یکپارچه نمایند طبیعی است اشکال مبارزاتی

از تجربه‌صندوقهای همیاری مالی کارگران شاهو و پوشاک سنندج

بیاموزیم

همبستگی مبارزاتی و تعاون را در میان کارگران افزایش داده و به ییپارچگی صف مستقل آنان در برابر رژیم و کارفرمایان و مزدورانشان در کارخانه، گفت‌وگویی می‌کند. در عین حالی که این صندوقها، خود بعنوان پس انداز قابل اتکائی عمل میکنند که در روزهای اعتصاب، تامین کننده هزینه زندگی کارگران اعتصابی و خانواده‌هاشان هستند. اما رژیم که از عراق اقدام مستقل کارگری، بشدت هراسناک است می‌کوشد به انحسار مختلف در اراده و اقدامات مبارزاتی کارگران خلل وارد سازد، و آنرا منسوخ کند؛ و در همین رابطه است که صندوقهای قرض الحسنه تاسیس می‌کند و می‌کوشد با وابسته کردن بخشی از کارگران به خود در صفوف اعتراضی توده‌ی کارگران شفاف اندازد و مبارزه جوی بخش‌ی از کارگران را خنثی نماید. با در نظر گرفتن حقیقت است که در بسیاری از کارخانه‌ها صندوقهای همیاری مالی کارگری، تشکیل شده و کارگران

گرانی بیداد میکند و دستمزدها مدام عقب می‌افتد؛ و در کارخانه‌هایی که دستمزدها به موقع پرداخت نمی‌شوند، بدلیل سطح پایین آنها و بی تناسبی مطلقشان با نرخ فزاینده تورم، کفاف حتی نیمی از هزینه زندگی یک ماه خانواده را نمیدهند. کارگران برای افزایش دستمزد، بطور روزمره و دائمی با کارفرماها و دولت درگیر میشوند و در موارد زیادی در این مبارزه، دشمن رابه عقب نشینی و میدارند. اما حقیقت این است که در شرایط بحران و گرانی و قحطی فعلی جامعه، کارگران ناچارند در کنار مبارزه دائمی برای افزایش دستمزد، به اشکال مختلفی نیز کمک هزینه‌ای برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، دست و پای کنند که یکی از این اشکال، صندوقها همیاری مالی کارگری است. صندوقهایی که چون هیچ وابستگی به رژیم ندارند و در مواقع در مقابل صندوقها و فرزند الحسنه تشکیل میشوند، روحیه

توانسته‌اند با این اقدام مستقل خود، صد وقهای قرض الحسنه رژیم را کاملاً منزوی سازند. سند وقهای تعاون مالی کارگران در کارخانه‌های پوشاک و شاهود رسندج نمونه برجسته‌ای از موفقیت کارگران در این زمینه است. این سند وقها که از دو سال قبل تاسیس شده و کارکرد سند وقهای قرض الحسنه کارخانه را به صفر رسانده موجب یکپارچگی هر چه بیشتر صفوف کارگران در برابر مدیریت و رژیم و عواملشان در کارخانه شده است. کارگران عضو این سند وقها بدون آنکه مجبور به کرنش در مقابل مدیریت و عوامل کارفرما باشند، به هنگام نیاز به وام، مستقیماً به هیئت مدیره این سند وقها مراجعه میکنند؛ و عموماً هنگام رسیدن موعد باز پرداخت وام به صندوق، علاوه بر مبلغ وام گرفته شده مبلغی هم بعنوان کمک بلاعوض به صندوق تعاونی مالی می‌پردازند؛ امری که به خوبی روحیه بالای همبستگی را در میان کارگران می‌نمایاند.

تجربه دو ساله کارگران کارخانه‌های پوشاک و شاهود راین زمینه، نمونه برجسته‌ای است از اقدام مستقل کارگران، از موفقیت سند وقهای تعاون مالی و از نقش مهم این سند وقها در منزوی کردن سند وقهای قرض الحسنه رژیم و خنثی ساختن ترفند های حکومت و کارفرمایان در ایجاد شکاف در میان کارگران، با پیروی از این نمونه موفق، جنبش سند وقهای همیاری کارگری را هر چه بیشتر در کردستان و سراسر ایران گسترش بخشیم □

پرچم سرخ را

— هماره و هواره —

خواهی دید

با عشق

یا نفرت،

بر حسب جایگاهت در این بیکار

برتولت برشت

کارگران! با ایجاد اتحادیه، سنگری برای بیکار با خود کامی و بهره‌کشی بیاکنیم!

اتحاد عمل برای قانون کار انقلابی دمکراتیک

وسکتاریسم حزب کمونیست کومله

انقلابی - دمکراتیک میباشد . پس از اینکه سازمان ما و سازمان چریکها فدایی خلق ایران تصمیم گرفتند به مناسبت ۱۳ تیر ماه سالگشت اعتصاب قهرمانانه کارگران نفت جنوب بیانییه مشترکی با مضمون رثوس قانون کار انقلابی - دمکراتیک منتشر نمایند، از حزب کمونیست کومله نیز برای شرکت در نشست تنظیم این بیانییه دعوت بعمل آمد . حزب کمونیست کومله ابتدا در پاسخ دعوت برای شرکت در نشست تنظیم بیانییه مطروح ساخت که با توجه به مشکلات راه نمیتواند در تاریخ مورد نظر به این دعوت پاسخ گوید . پس از دریافت این پاسخ نشست مشترک سازمان ما و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای تنظیم بیانییه تشکیل شد . اما از آنجایی که شرکت حزب کمونیست کومله نمیتوانست دامنه این اتحاد عمل را

همه کسانی که به نوعی دستی بر آتش سیاست کشورمان دارند و با مواضع جریانها و سازمانهای "چپ" آشنا هستند، دیدگاهها و مواضع متناقض حزب کمونیست کومله را میشناسند . تناقض گویی مداوم به نعل و به میخ زدن بیک گام به پیش نهادن و دوگام به پس برداشتن، از مشخصات شناسنامه ای حزب کمونیست کومله است . و این کاملا طبیعی است چرا که هرگاه سکتاریسم و انحلال طلبی، پوپولیسم مائوئیستی و سوسیالیسم دمکراسی و فرقه گرایی و فراکسیونیسیم را در هم آمیزیم ملغمه ای حاصل خواهد آمد که جز زیگراگ مسیری رانمیتواند بپییماید .

آخرین نمونه از تناقضات و بهانه تراشی ها برای پنهان ساختن مقاصد واقعی از جانب حزب کمونیست کومله، مسئله ائتلاف و اتحاد عمل در زمینه مبارزه مشترک حول قانون کار

زدن پوششی که میخواید آسرا از دیده‌ها پنهان سازد، بهتر است کمی به عقب برگردیم.

سازمان ما پس از انتشار اسناد پنجم هفتم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - جناح کشتگر، در تاریخ دیماه ۶۵ در شماره ۴ نشریه، راه کارگرمواضع خود را در قبالی انتقاد از خود این جریان اعلام کرد و بایکوت سیاسی این سازمان را منتفی دانست. همچنین سی و پنجمین شماره نشریه راه کارگرمواضع بهمن ماه ۱۳۶۵ طی مقاله مفصلی که بصورت ضمیمه منتشر گردید، مواضع سازمان ما را در قبالی جناح کشتگر شرح نمود. بدین ترتیب طی ماههای دی و بهمن سال گذشته همه از رفع بایکوت جناح کشتگر توسط سازمان ما مطلع شدند و حتی برخی سازمانها نیز در رابطه با این مسئله نظر خویش را اعلام نمودند.

با این همه، حزب کمونیست کومله حاضر شد که برای بررسی اتحاد عمل پیرامون قانون کار با سازمان ما به بحث و مذاکره پردازد. اولیین نشست مشترک در هفته آخر اسفند ماه گذشته یعنی دو ماه پس از

وسیعتر سازد و با توجه به اینکه این حزب یکی از جریاناتی بود که خود ضرورت اتحاد عمل حول قانون کار انقلابی - دمکراتیک را مطرح ساخته بود، دو سازمان تصمیم گرفتند متن تنظیم شده را برای دریافت پاسخ قطعی شرکت یا عدم شرکت در این اتحاد عمل برای حزب کمونیست کومله ارسال نمایند. این بار، اما، حزب کمونیست کومله علیرغم پذیرش وجود زمینه‌های این اتحاد عمل، دلیل دیگری برای عدم شرکت در این اتحاد عمل ارائه نمود: تا زمانی که راه کارگر از رفع بایکوت کشتگرها انتقاد علنی نکند، حزب کمونیست کومله در این اتحاد عمل شرکت نخواهد کرد.

اما این پاسخ ظاهرا صریح و روشن، تنها پوششی است بسرای پنهان ساختن سکتاریسم ریشه دار حزب کمونیست کومله که نه تنها با راه کارگر بلکه با هیچ جریان سیاسی سازمان سیاسی دیگر نمیتواند ائتلاف و اتحاد عمل داشته باشد. آیا این اتهامی است که بدون سند و دلیلی مطرح شده است؟ بسرای روشن تر شدن واقعیت و برای کنار

نمیشود. در این حالت، اما، این سؤال پیش می‌آید که چرا بارد اتحاد عمل با سازمان ما، حزب کمونیست کومله با وحدت کمونیستی وارد اتحاد عمل نشد. و یا اینکه چرا تا کنون چنین پیشنهادی را برای هیچ سازمان سیاسی دیگری مطرح نساخته است. مگر آنکه از نظر حزب کمونیست کومله در این سرزمین پهناور و از میان تمام سازمانهای سیاسی موجود تنها بسا سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) میتواند اتحاد عمل و ائتلاف بود که آن هم بدلیل رفع بایکوت از کشتگریها ناممکن شده است!

همانطور که در ابتدای این مقاله یاد آور شدیم، به اعتقاد ما خودداری از اتحاد عمل و ائتلاف پیرامون مبارزه مشترک حول طرح قانون کار انقلابی - دمکراتیک دلائل بنیادی دیگری دارد که چنین حرکت متناقض و زیگزاگی را در حزب کمونیست کومله بوجود می‌آورند.

طرح رفع بایکوت از کشتگریها بعنوان مانع اتحاد عمل صرفا بهانه‌ای است که برای پوشاندن تناقضات اساسی دیدگاه حزب کمونیست کومله بعنوان شده است. اما این تناقضات

رفع بایکوت کشتگریها توسط ما - برگزار گردید. جلسه دوم بحث حول اتحاد عملها و بطور مشخص اتحاد عمل حول قانون کار انقلابی دمکراتیک با شرکت سازمان ما، وحدت کمونیستی و حزب کمونیست کومله در هفته آخر ماه مه برگزار گردید و تنها در جریان نشست مذکور بود که رفع بایکوت از کشتگریها بعنوان مانع اتحاد عمل با سازمان ما از طرف حزب کمونیست کومله مطرح گردید. توجه به این واقعیت که رفع بایکوت از کشتگریها بعنوان مانع اتحاد عمل پس از حدود ۵ ماه و پس از دو جلسه مباحثه حول اتحاد عمل مطرح شده است، به روشنی بیانگر این است که دلیل مذکور صرفاً بعنوان بهانه و پوششی برای پنهان ساختن سکتاریسم و تناقضات حزب کمونیست کومله در پیشبرد سیاست ائتلافی مشخصی بیان گردیده است. اما علاوه بر آن توجه به واقعیتهای دیگری نیز بهانه بودن این "دلیل" را روشن می‌سازد. فرض میکنیم حزب کمونیست کومله آماده اتحاد عمل است و بدلیل موضع ما در قبال پلنوم سازمان فدائیان خلق ایران با ما وارد اتحاد عمل

مقاومت‌هایی نیزند. برعکس بین این دو جنبه تفکر و دگرایش در درون حزب کمونیست کومله کشاکش وجود دارد و به همین دلیل این حزب اگر چه به سمت سوسیال دموکراسی تمام عیار و نبرد آشکار علیه لنینیسم حرکت میکند اما این حرکت با افست و خیز همراه است و بصورتی متناقض پیش میرود.

از سوی دیگر ساخت تشکیلاتی حزب کمونیست کومله در نحوه پیشبرد سیاست‌های آن موثر است. این حزب اساساً بر مبنای به رسمیت شناختن حقوق فراکسیون‌ها و خود مختاری بخش‌های مختلف تشکیلات بنا گردیده و این امر آنچنان بسط یافته است که طبق آخرین تصمیمات وجود فراکسیون‌ها به نحو آشکارتر و گسترده‌تری جنبه رسمی به خود گرفته‌اند. در چنین ساختی هر بخش از تشکیلات تصمیمی میگیرد و به اجرا درمی‌آورد و در جایی دیگر این تصمیم لغو میگردد و بدین ترتیب نه تنها اراده واحدی بجا نمی‌ماند بلکه حرکتی زیگزاگی و

کدامند؟ قبل از هر چیز اولیــن عاملی که باعث میگردد حزب کمونیست کومله به نعل و به میخ بزند و امروز، دیروزش را نظر کند، رونسد تجزیه و فروپاشی دیدگاه پوپولیستی این جریان به نگرش لیبرالیستی و سوسیال دموکراتیک است. پوپولیسم ملخه‌ای است از دمکراتیسم و لیبرالیسم که در جریان گسترش مبارزه طبقاتی نمیتواند بعنوان یک مجموعه واحد به حیات خویش ادامه دهد و ضرورتاً یا به لیبرالیسم کاملاً همان بورژوازی و یا به دمکراتیسم پیگیر تحول مینابد. اما این روند تجزیه امری کاملاً ساده و سراسر نیست در حال حاضر جنبه لیبرالیستی و سوسیال دموکراتیک پوپولیسم در دیدگاه‌های حزب کمونیست کومله غالب پیدا کرده اما این بدان معنا نیست که هموز گرایشات رادیکال در درون این جریان وجود ندارد و در برابر لیبرالیسمی که هر دم رشد بیشتری مینابد و قدم بقدم مواضع خود را تحکیم میکند دست بـه

پیش بسوی سازماندهی هرژمونی طبقه کارگر

حال اگراین سه موله را در نظر بگیریم و در يك كل ارگانیک بنام حزب کمونیست کومه در هم آمیزیم، آنگاه دلیل واقعی عدم شرکت این جریان در اتحاد عمل برای مبارزه در راه قانون کار انقلابی - دمکراتیک آشکار خواهد شد.

واقعیت این است که حزب کمونیست کومه در برابر شکست خط و برنامه خود در درون جنبش کارگری و بدلیل ناتوانی نظریش در پاسخگویی به انتقادات سیستماتیک ما از مشی این جریان، مجبور شد به انتقاد از سکتاریسم بپردازد و علیرغم گذشته به ضرورت ائتلاف و اتحاد عمل اعتراض نمود. اما این انتقاد از سکتاریسم نه تنها از مجموعه دیدگاه فرقه گرایانه سوسیال دمکراتیک آن رنج میبرد بلکه در برابر جوانب دیگر دیدگاه این جریان آنچنان جزئی و فرعی بود که نمیتوانست راهگشای يك حرکت اساسی در حوزه اتحاد عملها گردد. حزب کمونیست کومه با نقد سکتاریسم به این نتیجه رسید که بین گرایشات سوسیالیستی در درون طبقه کارگر باید همکاری صورت گیرد. (رجوع کنید به کمونیست ۳۰ - مقاله

به پیشرو به پر در حوزه سیاست از خود بجا میگذارد. این ساخت تشکیلاتی البته بطور کامل بر مواضع و دیدگاه غالب سوسیال دمکراتیک انطباق دارد. ساخت خود مختار در احزاب سوسیال دمکرات پسه در سطح جناحها و چه در سطح شخصیتهای، همه ابزارهای کارآمدی است برای گسترش نفوذ جریانهای لیبرالی و زدودن هر چه بیشتر رادیکالیسم از درون آن. و بالاخره حزب کمونیست کومه از يك اصل اساسی در سیاستهای خویش پیروی میکند و آن اینکه تسا آنجائی که میتواند به نحو فعالتری در تضعیف جنبش کمونیستی جهانی میکوشد و رابطه خود را با دیگران بر اساس پذیرش یا نفی پیروزی انقلاب سوسیالیستی و پذیرش یا نفی ضرورت اتحاد و پیوند با اردوگناه سوسیالیزم تنظیم میکند. این برخورد طبیعا جنبه سکتاریستی حرکت آنرا برجسته تر میکند. با چنین نگرشی در واقع حزب کمونیست کومه به ائتلافهای خود حتی در صورت پذیرش ضرورت آن، رنگ ایدئولوژیک میرزند و دامنه آنرا کاملا محدود میکند.

با کمونیزم و سوسیالیزم له شده و عقب بنشینند. به همین دلیل گام لرزانی که با پذیرش ضرورت اتحاد عمل با راه کارگر در حوزه مسائل کارگری و بطور مشخص در رابطه با قانون کار انقلابی - دمکراتیک توسط رهبری حزب کمونیست کومله به پیش گذاشته شده بود، بلافاصله تحت فشارهای درونی و بیرونی و بویژه هراس از تقویت مارکسیسم - لنینیسم پر کشیده شد و بدین ترتیب با زهم منافع فرقه و سازمان بر مصادف تشکل مستقل طبقه کارگر و تقویت صفوف آن ارجح شمرده شد.

اما این بار، با توجه به مواضع جدید در نقد سکتاریسم، طبیعی بود که بشکل سابق و با استدلالات سابق نمیشد عدم شرکت در اتحاد عمل را توجیه نمود و از آن دفاع کرد. به همین دلیل حزب کمونیست کومله به سرعت و جدیت تمام به حیل المتین رفع بایکوت از کشتگرها چنگ زد و آنرا بهانه و پوششی ساخت برای پنهان ساختن سکتاریسم ریشه دار و ناتوانی خویش برای خروج از دایره بسته فرقه و هراس از ریزش توهمات و باورهای بقیه در صفحه ۸

سکتاریسم و انحلال طلبی در جنبش چپ) در حالی که در تعریف سکتاریسم نادیده انگاشتن منافع مستقل طبقه و تشکل مستقل طبقه را بعنوان شاخص اصلی آن ارائه کرد. ه بود که این تعریف قاعدتاً میبایست به نتیجه همکاری با تمامی کارگران بدون در نظر داشتن ایدئولوژی آنها منجر میگردد. بدین ترتیب حزب کمونیست کومله به با نقد سکتاریسم صرفاً به این نتیجه رسید که دامنه شمول سکتاریسم را کمی نسبت به گذشته محدودتر سازد و بتواند طیف بیشتری از "مدعیان" سوسیالیزم را به دایره همکاری با خویشتر وارد سازد. اما این تمام مسئله نیست. نقد سکتاریسم توسط حزب کمونیست کومله با مضمون اکوئومپستی و تنها در حوزه مطالبات جاری طبقه کارگر پذیرفته شد و به هیچ وجه به حوزه سیاست و آمادگی طبقه کارگر برای رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی گسترش نیافت. و طبیعی بود گرایش ضعیف و نحیف خروج از دایره بسته فرقه، در برابر وزن سنگین سکتاریسم و انحلال طلبی سوسیال دمکراتیک و ضدیت فعال

نمونه‌هایی از باجگیری و کدانی رژیم از مردم شهرهای کردستان

۱۰۰ تومان دریافت میکند . البته تا کنون رژیم نتوانسته است این سیاست خود را بطور کامل و سراسری اجرا کند و با مقاومت شدید خانواده ها و دانش آموزان مواجه شده که بویژه در رابطه با دانش آموزان دبیرستانی در بسیاری موارد مجبور به عقب نشینی و دادن مدرک تحصیلی بدون دریافت کتابهای درسی شده است .

××××

اضافه کردن آبونمان آب و برق و تلفن و تشدید فشارهای توان فرسا بر کارگران و زحمتکشان در این زمینه ، یکی دیگر از شگرد های آخوندی حکومتیان در تامین نیاز های مالی حکومت است . مشترکین تلفنی که اشتراك آنان از سه ماه گذشته باشد ، علاوه بر مبلغ متعارف اشتراك باید هر ماه ، ۷۵ تومان باچید هند . همچنین هر خانواده ای باید ماهانه ۵ تومان حق کنتور و ۵ تومان حق استفاده از برق کوچه را بدهد ! و بعید نیست که فردا فقهاد را ادامه و قاحت بی انتهایشان ، راه رفسر

رژیم چند سال است اعلام میکند که باید تمام دانش آموزان ، کتابهای درسی خود را در پایان سال تحصیلی ، تحویل دهند ، اما در اواخر سال تحصیلی گذشته بکار گیری شیوه های همیشگی خود ، یعنی گروکشی ، دانش آموزان و خانواده هایشان را مستقیماً تحت فشار قرار داد . بدین ترتیب کسه اعلام کرد هر دانش آموزی کسه کتابهای درسی سال گذشته اش را تحویل ندهد ، کارنامه ی تحصیلی دریافت نخواهد کرد . لازم به ذکر است که بابت کتابهای درسی ، در آغاز سال از هر دانش آموز دبستانی ، ۶۰ تومان و از سر دانش آموز دبیرستانی ۱۰۰ تومان گرفته میشود ، که البته هنگام پس گرفتن این کتابها در پایان سال تحصیلی ، یک شاهی آن به دانش آموزان پرداخت نمیشود . بدین طریق رژیم کتابهای درسی را بین دانش آموزان سال گذشته و سال جدید ، دست به دست میکند و بابت این دست به دست کردن ، ۶۰ الی

که بعنوان يك شغل ثابت ، مورد استفاده فقها و مزدوران نشان فرار میگیرد

xxxx

فقدان حداقل امکانات بهداشتی

و درمانی در ایران ، همچون سایر ضروریات زندگی ، دیگر سالهاست که به امری همگانی و عمومی تبدیل شده و فشار وحشتناکی را بر توده های مردم اعمال میکند . در چنین شرایط مرکزی ؛ تقریباً در کلیه بیمارستانها و زایشگاههای کردستان ، اعلام کرده اند که زنان باردار قبل از ورود به بخش زایمان ، باید ۵۰۰ سی سی خون - که بایستی از شوهر یا یکی از آشنایان خود بگیرد - ۲۰ جفت دستکش عمل ، آمپول و سرنگ ، و همچنین داروهای لازم طبق دستور بیمارستان - یا زایشگاه ، تهیه کند و آنوقت به بخش زایمان راه یابد . حال اگر بچه سالمه دنیا بیاید یا هنگام زایمان جان دهد و یا آسیبی به مسادر در جریان زایمان وارد شود ، دیگر نده رابطه به این مقررات دارد و نسه ربطی به مبلغ کمرشکنی که بایسد هنگام مرخصی از بیمارستان بپردازد . اینها صرفاً نمونه های کوچکی از باج گیری رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از توده های محروم کردستان انقلابی است

روی اسفالت و نگاه کردن به درود یول شهر را نیز نرخ بندی کنند .

xxxx

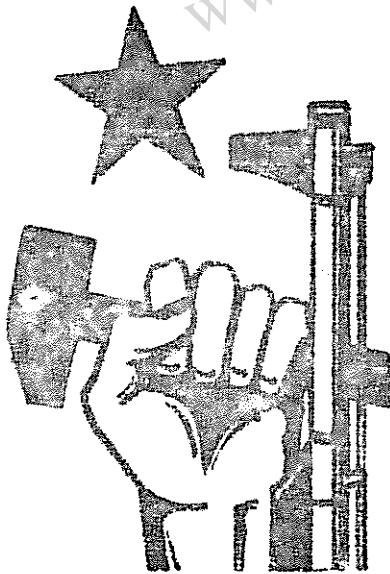
اعتیاد و فساد ، یکی از آشکار جنایات جمهوری اسلامی در میان جوانان کشور ماست که بطرز بسی سابقه و سرسام آوری شدت و گسترش می یابد . رژیم که خود مسبب این وضعیت تباها کننده و سیاه است و خود آگاهانه برای انحراف افکار جوانان از مسائل سیاسی و جاری جامعه و مسخ آنان از طرق گوناگون به این وضعیت دامن میزند در عین حال از این مسئله برای تلکهی خانواده ها بهره برداری میکند . مزدوران رژیم به خانه هایی که جوانان دختر و پسر در آنها مشغول استفاده از مواد مخدر و نگاه کردن فیلم های غیر اخلاقی هستند ، حمله میبرند و آنان را به کمیته جلب میکنند . بعد بلافاصله با خانواده های آنها تماس میگیرند و بابت آزادی هر کدام ، مبلغی تعیین میکنند . با پرداخت مبلغ تعیین شده ، همگی آزاد میشوند و چند شب دیگر مجدداً نوبت به همانها می افتد و عیناً این واقعه تکرار میشود . اینهم يك شیوهی پر کردن کیسهی فقهاست

افزایش اعمال فشار به زحمتکشان روستا

که در جریان آن یک زن کشته و ۲ تن دیگر زخمی میشوند. در ماه گذشته رژیم به بهانه‌های مختلف و در موارد متعددی بدون هیچ بهانه‌ای به خانه و کاشانه و یا محل کار و زندگی زحمتکشان یورش آورده و نمایشی از اوج توحش و قساوت بر جای گذاشته است. مثلاً مزدوران در تاریخ مرداد اهلالی روستای "شیخ‌شم‌زینی" در ناحیه "تهرگور" را هنگامیکه در مرده مشغول کار بودند مورد حمله قرار میدهند که ۲ نفرشان شهید می‌شود و یا روز ۱۲ مرداد به روستای "برده میژ" از توابع پیرانشهر یورش برده، خانه زن زحمتکشی را محاصره میکنند و پس از کتک زدن اهالی خانه بداخل خانه نارنجک پرتاب میکنند. در این حملات وحشیانه و یورشهای مغول وار، مزدوران جمهوری اسلامی هر جا که با مقاومت و ایستادگی مردم در مقابل خود روبرو شدند عقب نشینی کرده و از ترس انفجار خشم و کین توده هادر مقابل خواستهایشان کوتاه می‌آیند

همراه با افزایش عملیات پیشمرگان، اقدامات سرکوبگرانه مزدوران رژیم به شیوه‌های مختلف و گوناگون طیسه زحمتکشان افزایش یافته و روز بروز توسعه بیشتری می‌یابد. اعمالی از قبیل تیراندازی بطرف مردم بیگناه، توپ و گلوله باران روستاها، غارت اموال مردم، سوزاندن مزارع و مراتع، آزار و شکنجه و کتک زدن زحمتکشان دائما توسط مزدوران رژیم اجرا میگردد. رژیم به این بهانه‌ها می‌خواهد با تحت فشار قرار دادن مردم و اعمال انواع و اقسام فشارها بر مردم، پیشمرگان را نیز در تنگنا قرار دهد. مثلاً پس از عملیات کومه‌لسه در روستای "تهورپور" در منطقه سنندج، مزدوران از ترس شبها مردان روستا را در اطراف پایگاه نگاه میدارند و از رفتن آنها به سر کار جلوگیری میکنند و با تیراندازی بطرف مردم یک دختر را به شهادت میرسانند و یا پس از عملیات حزب در ناحیه "تهرگور"، مزدوران مردم را وحشیانه از کوهستانها بیرون میرانند

برای مقابله در برابر این اعمال وحشیانه از آن بهره برداری میکنند حرکت یکپارچه و دسته جمعی زنان ده در مقابل مزدوران و حمله بسا سنگ و چوب به آنان میباشد. زنان میتوانند نقش مهم و کلیدی را در این زمینه بازی کنند. از آنجا که در صورت دستگیری امکان بردن جوانان و مردان آبادی به سرریزی زیاد است، زنان باید متحد و یکپارچه همانگونه که بارها نشان داده اند با مزدوران مقابل کرده و نگذارند که خانه و کاشانه و محل کار و زندگی آنها بصورت ملك مطلق رژیم درآید □



مثلا در اواسط ماه پیش در یکی از روستاهای منطقه بولکان مزدوران بسه بهانه وجود پیشمرگه بداخل روستا ریخته و شروع به خانه گردی و کتک زدن مردم میکنند که يك زن زحمتکش مجروح و يك مرد دستگیر میشود مردم روستا بخصوص زنان خشمگین باسنگ و چوب به مزدوران حمله ور شده و آنها را بطرف پایگاه عقب میرانند و بسه مزدوران میگویند که در صورت آزاد نکردن فرد دستگیر شده همه شما را میکشیم و پایگاه را به آتش میکشیم که مزدوران از ترس فرد دستگیر شده را آزاد میکنند.

مردم زحمتکش کردستان معنای واقعی حاکمیت جمهوری اسلامی را دریافته اند و میدانند که تمام حقوق خود، حتی ابتدائی ترین و اولیه ترین آنها را بایستی با مبارزه بدست آورند و میدانند که اگر در مقابل این حاکمیت زور و سر نیزه عقب بنشینند زندگی شان صدبار از آنچه که امروز نصیبشان شده مشقت بارتر و تحمل نا پذیر تر میگردد و بسه همین دلیل است که دریافته اند که به اشکال متنوع و صهر طریق کسی نمیتواند باید در مقابل مزدوران بایستند و یکی از طرقی که توده ها

راه خدشه ناپذیر سوسیالیسم

خانم نکوین تی دین، یکی از رهبران جنبش‌رئانی بخش انقلابی خلق ویتنام بود که در انقلاب اوت ۱۹۴۵ به‌عنوان یک فرمانده ارتش خلق، نقش مهمی ایفا کرد و از همان زمان واحدهای ارتش‌زنان را برای پیکار علیه تجاوز آمریکا سازمان داد. خانم تی دین در روند مبارزات خود دستگیر شد و سالها در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی مزدوران امپریالیسم در سیاه‌چال‌ها بسر بسر و همچنین در جریان تهاجم نظامی امپریالیستها به ویتنام، همسر و پسرش را از دست داد.

از زمان پیروزی انقلاب ۱۹۷۵، خانم تی دین عمدتاً در امور سیاسی-اجتماعی فعالیت خود را ادامه داده است. او اکنون عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، عضو شورای دولتی، نماینده مجلس ملی جمهوری سوسیالیستی ویتنام، رئیس اتحادیه زنان ویتنام، و دارندگی نشان بین‌المللی لنین " برای حفظ و تقویت صلح بین ملت‌ها " است.

مقالی " راه خدشه ناپذیر سوسیالیسم "، ترجمه متن سخنرانی خانم نکوین تی دین است به مناسبت روز جهانی زن که در هشتم مارس ۱۹۸۷ ایراد شده است.

مسئله، عمدتاً تعیین نقش زن در رابطه با خانواده بود تا جامعه؛ که جز محدود استثنائاتی، فعالیت زنان به کار خانگی محدود می‌شد. دولت و کلیسا، و عسرف قانون، نابرابری جنسی را تحکیم

مارکسیسم، موقعیت زن را در روند پیشرفت تاریخی نوع بشر و در رابطه با شرایط عینی حاکم بر سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت مورد بررسی قرار می‌دهد. در جامعه ماقبل سرمایه‌داری،

میکنند. مسئله زنان، بخشی از مسئله انقلاب پرولتاریائی، بخشی از نیروی محرک و توان آن، و بخشی از مسئله ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است. اجازه دهید گفته لنین را در این

رابطه برایتان ذکر کنم: "اگر زنان در خدمات اجتماعی، در ملیتس، در حیات سیاسی جذب نشوند، اگر از خرافات و لختی محیط خانسه و آشپزخانه خود را رها ن سازند، تضمین آزادی واقعی ناممکن خواهد بود؛ ساختن حتی د مکرسی ناممکن خواهد بود، چه رسد به سوسیالیسم." این گفتار، مستقیماً و دقیقاً در

مورد سرنوشت تاریخی زنان ویتنام، صدق میکند. شانزده سال پیش، هنگام انتشار آموزشهای مارکسیسم - لنینسم در هند و چین، هوشی مین نوشت که انقلاب روسیه، پیروزی سریع و نیروی شکست ناپذیر خود را، در بین سایر چیزها، مدیون شرکت زنان سنین مختلف، در آن است. این امر در انقلاب ویتنام نیز مشاهده شده است. هوشی مین نوشت: "زنان باروختنك رنج را بر دوش میکشند و هم از این رو، از روح مبارزه انقلابی سرشارند. آنان

نموده، موقعیت زن را به سطح توهین آمیزی تنزل داده، و آناسی که مطیع این عرف و قانون نبودند بطرز وحشیانه‌ای مورد اذیت و آزار قرار میگرفتند.

سرماهداری به معیار وسیعی زنان را در صنعت بکار گرفت. نیروی کار آنان را مورد بهره‌کشی قرار داد و بار و فشاری را که بردوش آنان بود و برابر کرد. تحت فشار افکار عمومی مترقی، حقوق سیاسی و مدنی زنان بتدریج در اشکال ظاهری و صوری قانونیت یافت و بسط پیدا کرد. اما تبعیضات در نظام‌های بهره‌کشی تا امروز ادامه یافته است، البته در برخی از آنها با پوششی آراسته.

زنان کارگر تنهاد را آنجایی می‌توانند حقیقتاً آزاد شده و در تمامی حوزه‌های مادی و معنوی زندگی همپای مردها حضور داشته باشند که مالکیت خصوصی بهره‌کشانه از بین رفته باشد. اما رهایی اجتماعی به خودی خود کسب نمیشود. باید با مبارزه آنها بدست آورد. این امر، چرایی انطباق اهداف جنبش زنان بر اهداف انقلابی طبقه کارگر را روشن

تنها با شرکت فعال سازمانهای اجتهامی توده‌های، از جمله سازمانهای زنان، و با در نظر گرفتن دقیق تفاوت‌های مشخص گروه‌های مختلف جمعیت می‌توانند حاصل گردد. نقشی که توسط زنان در تمامی حوزه‌های زندگی ایفا شده است در سالهای آتی وسیعاً ادامه خواهد یافت و انتظار می‌رود که تعداد زنان در حزب افزایش یابد. این، نشانگر سهم عظیم زنان در امر آزادی کشور و نقش ایفا شده توسط آنان در انقلاب‌های دمکراتیک ملی و سوسیالیستی است.

انقلاب اوت ۱۹۴۵، عصر نوینی را در برابر ملت ویتنام گشود. عصر استقلال ملی، آزادی و سوسیالیسم. قانون، برابری زنان در خانواده و در جامعه را به رسمیت شناخت. در قانون اساسی آمده است: "زنان و مردان از حقوق برابر در تمامی حوزه‌های حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه و در خانواده بهره‌مندند." زنان مزد برابر در

نیروی عمده انقلابند، و مابدون شرکت آنان پیروز نخواهیم شد. اگر زنان می‌خواهند آزاد شوند باید قیام کنند و به انقلاب خلق و طبقه شـمان پیوندند.

نتایج مارکسیست - لنینستی این عبارات در بسیاری از اسناد حزب کمونیست ویتنام منعکس است. در سال ۱۹۳۰، بلافاصله پس از تشکیل حزب کمونیست هند و چین، نشست وسیع کمیته مرکزی در باره بسیج و تجهیز زنان اعلام کرد که زنان باید به صفوف مبارزه انقلابی جذب شوند و اینکه این امر برای رهائی آنان، برای برابری جنسی و برای آنچنان شرایطی که به آنها اجازه عرض اندام و پیشرفت و ترقی بدهد، حیاتی است. این امر در مصوبات و دیگر اسناد تقریباً تمامی کنگره‌های حزب نیز مشاهده می‌شود. در اسناد ششمین کنگره حزب کمونیست ویتنام (دسامبر ۱۹۸۶) ذکر شده است که اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور،

یا واحدهای عملیات ویژه زنان و پارتیزانهای زن که علیه دشمن در مناطق اشغالی میجنگیدند، ناممکن است.

واحدهای توپخانه با خدمه زن، در بسیاری از جنگهای منظم با کشتیها و هواپیماهای جنگی آمریکا شجاعانه جنگیدند. واحدهای داوطلب زن برای جاده کشتی به خطوط آتش که در زیر پارانیمبها و گلولهها به کار میپرداختند، آثار درخشانی از خود بجای گذاشتهاند. یکی از این جادههای استراتژیک که از میان رشته کوه ترونک شیب کشیده شد، جاده هوشی مین نام گرفت. این زنان جوان، غذا و وسایل تدارکاتی را بردوش خود بسینه جیبها میسراندند. آنان کرسنه و رنجور از سرما و گرما، از هردانهی برنج، از هر گلوله، و از هر قطعه پارچه ای که به دستههای ارتش خلق تخصیص داده شده بود، حفاظت میکردند.

دختران هرگز حتی از یک اینچ از پهلها و جادههایی که بسنه آنها سپرده شده بود، عقب نشینی نکردند و برای حمل و نقل مواد مورد

قبال کار برابر با مردان دریافت میکنند. زنان از حق مرخصی با حقوق در دوران بارداری و زایمان برخوردارند. دولت و جامعه از طریق شبکههای گسترده شیرخوارگاهها، مهدکودکها، و مجتمعهای پرورشی کودکان با این امر ارتباط مستقیم دارند. ازدواج و خانواده تحت حمایت دولت خواهد بود. قانون ازدواج و خانواده که در اوایل سال ۱۹۶۰ به تصویب رسید، هدفش ریشه کن کردن بقایای فئودالیسم بود.

زندگی آرام و لذتبخشی که در آن، اجرای این اقدامات قانونی آغاز شده بود، بواسطه تهاجمات دوسر کرده قدرتهای امپریالیستی نخست فرانسه و سپس آمریکا، برای مدتی کوتاه متوقف شد. در تمامی سالهای جنگ، زنان ویتنامی، با خواست و اراده خود در صفوف مقاومت در برابر تجاوزگران شرکت کردند و در مناطق پشت جبهه در حالیکه کودکانشان را همراه خود داشتند، بکار پرداختند. محاسبه واحدهای میلش زنان که از مزارع و روستاها در شمال و جنوب حفاظت میکردند،

بلندان " نامیده می‌شد . این واحد ها، بدون اسلحه ، دیواری غیر قابل عبور در برابر واحد های ویژه دشمن که " واحد های کیفر پارتیران ها " نامیده می‌شد ایجاد کرده و آنسان را به عقب نشینی و بازگشت بسه آنجایی که آمده بودند واداشتند . زنان پیشماری در زنداتنها ، در تبعیدگاهها ، و در بااصلاح قفسها بپر تحت فشار بودند ؛ شکنجه های وحشیانه را با استواری تمام ، تساب

نیاز دسته های نظامی و توده های غیر نظامی ، آنها را مرمت کردند . دسته های نظامی ما با استفاده از این راه های مخفی ساخته شدند توسط زنان در پشت خطوط دشمن ، ضربات مرکباری بردشمن وارد کرده صفوف آنها دچار آشفنگی و سراسیمگی موده و راه حمله نهایی بهار ۱۹۷۵ را هموار کردند . همچنین واحد هایی از زنان تشکیل شد بود که از جانب مردم " ارتش کیسو



میتواند از خدمات گسترده و ارزشمند دخترانش بهره‌مند شود. اتحادیه زنان مابا ستاره زرین آذین شده که بالاترین مدال ملی است. یازده مجتهد زنان و ۱۲۲ زن به نشان قهرمانی نیروهای ارتش مزین شدند. به ۴ هزار زن، نشان شجاعت برای انهدام دسته‌های دشمن، تانک‌ها و هواپیماها داده شده، و ۵۰۰۰ زن برنده نشان قهرمان کار شدند. ادامه دارد

میاوردند و بر اعتقاد ایشان پای میفشردند؛ با ایمان به اینکه مردن بهتر از افشای اسرار انقلاب است. هیچک از اینها هرگز از خاطر مردم مانخواهد رفت. زنانی که در مبارزه برای بهروزی کشورشان، شجاعت و دلیری خود را به نمایش گذاشتند توسط مردم، "قهرمان، تسلیم-ناپذیر، اصیل و بیباک" خوانده میشوند. کشور ما نشان داد که چگونه

خانواده‌های قربانیان جنگ را نیز در برگیرد. و از نیرو و انرژی آنان نیز در جهت هر چه گسترده تر کردن مبارزات این خانواده‌ها علیه رژیم فقها بهره جست. خانواده‌های پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق در کردستان دارای آنچنان پتانسیل انقلابی بالا و گستردگی هستند که میتوان پسا سازماندهی آنان نیروی عظیمی را در جهت سرنگونی رژیم فقها گرد آورد. در این راستا بکوشیم.



خانواده پیشمرگان، ○ ○ ○
 ○ ○ ○ که هژمونی را تنها به اتکا به پیگیری و آگاهی در مبارزه میتوان بدست آورد.
 نکته دیگری که باید به این مجموعه مسائل افزود اینست که نباید به شکل خانواده‌های پیشمرگان، زندانیان سیاسی و شهدای خلق، بشکلی محدود نگریست، این تشکل میتواند خانواده‌های سرایازی را که به زور به جبهه‌ها اعزام شده‌اند، خانواده‌های بزور صلح شدگان و

نداده است؛ بنابراین طبیعی خواهد بود هر نوع برآوردی در این زمینه بر اساس اطلاعات غیر منظم و پراکنده صورت گیرد. اما گزارش‌های متعددی از زندانهای سراسر کشور و ظرفیت آنها و شناخته شد که حدود ۵۰۰ زندان در سطح کشور تا حدودی مشکل شمار زندانیان

در کشوری که مزد گورکن بسیار بیشتر از ارزش جان انسانهاست، در کشوری که درختان برای دار زدن انسانها بریده میشوند، سنگها برای بنای زندان بکار میروند و گورستانها هر روز گسترش بیشتری مییابند، کسب آزادی را بهایی سنگین بایستد پرداخت. برای به اهتزاز درآوردن

رژیم جمهوری اسلامی: حکومت زندان و شکنجه و مرگ

و قربانیان رژیم جنایت پیشه فقها را رفع میکند.

برآورد هانشان میدهد که در حال حاضر نزدیک به صد هزار نفر زندانها بسر میبرند. بعلاوه طی شش سال گذشته حدود صد و پنجاه هزار نفر توسط عمال رژیم فقها دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند و بیش از سی هزار نفر پس از اعمال شکنجه‌ها وحشیانه به جوخه‌های مرگ سپرده شده‌اند.

رژیم دائما در کار انتقالات و جابجایی زندانیان است. از یک سو نمیخواهد زندانیان مدتی بسا یکدیگر بسر برده و اعتماد همدیگر را

پرچم سرخ آزادی بایستی خون داد و سیاهی‌ها را با خون شست؛ هرچقدر این سیاهی گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، به همان نسبت نیز خون بهای آزادی بیشتر است.

رژیم جمهوری اسلامی، این حکومت زندان و شکنجه و مرگ بورژوازی طی ۱ سال گذشته هرگز اجازه نداده است هیچگونه آمار و اطلاعات رسمی و غیر رسمی درباره زندانیان، شمار آنان و محل آنان انتشار یابد و به هیچیک از هیات‌های بین‌المللی رسمی و غیر رسمی نظیر نمایندگان صلیب سرخ جهانی و یا کمیته حقوق بشر اجازه بازدید از زندانها را

جلب کنند و از سوی دیگر حتی از مزدوران خود وحشت دارد تا مبادا تحت تاثیر زندانیان قرار گیرند. علاوه بر تهران و کرج، شهرستانهای تبریز، ارومیه، کرمانشاه، سنندج، اهواز، شیراز، اصفهان، زاهدان، مشهد، گرگان، ساری، بابل، قم، رشت و بندر عباس هر کدام تا چند هزار زندانی را در خود جای داده اند.

رژیم جمهوری اسلامی، حکومت زندان و شکنجه و مرگ است و اساسا برای حفظ حکومت سیاه خویش پسر ابزارهای سرکوبشگر دارد. اما از اینکه تحت این حکومت چند سوع زندان وجود دارد، هنوز کسی بطور کامل چیزی نمیداند. زندان جنایی، زندان دادسرای مبارزه با مواد مخدر، زندان دادسرای مبارزه با منکرات، زندان کمیته‌های انقلاب، زندان سپاه پاسداران، زندان دادستانی انقلاب، زندان دادگاههای انقلاب، زندان وزارت اطلاعات، زندان عادی نیروها مسلح، زندان دادگاههای انقلاب

اسلامی ارتش و زندان دادستانی انقلاب سپاه تنها چند نمونه از زندانهای علی و شناخته شده جمهوری اسلامی هستند. سیاههای که ارائه شد شامل همه زندانهای رژیم نمیشود، اما بایستی به بیک نوع زندان دیگر اشاره نمود و آن هم زندان مخفی است. بسیاری از باند های شریک در حاکمیت، زندانهای مخفی دارند که از جمله میتوان به زندان دادستانی مرکز و باند ویژه لاجوردی اشاره کرد. علاوه بر این، گروهها و باندهای سیاه کمیته‌های انقلاب، سپاه، دادستانی ها و دادگاههای انقلاب نیز به خانه‌های تیمی و شکنجه‌گاههای ویژه مجهزند. همچنین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نهضت های آزادیبخش اسلامی که هر دو از حاکمیت رانده شده‌اند و نیز فدائیان اسلام و باندها و خلخالی و باند غفاری و دهها باند و گروه شناخته شده و ناشناخته زندانهای مخفی دارند.

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات زندانیان سیاسی بپاخیزید!

دیگاتورى خون آشام و ددمستر
 جمهورى اسلامى است، و نه فقط
 نشانه بارز تداوم دىگاتورى فقا هتى
 است، بلکه دليل روشن و تردىيد
 ما پذير مبارزه سرسختانه کارگران
 و زحمتکشان کشورمان عليه ايمن
 دىگاتورى سياه و ارتجاعى نيز
 هست. همين حقيقت پر شکوه و اميد
 بخش است که فرداى روشن، زيبا
 و سرشار از سعادت و نيک بختى
 نوده‌هاى ستمدیده کشورمان را نويد
 مدهد. افقى که اکنون سرخ تر
 و روشن تر از هر زمان ديگر در برابر
 چشمانمان مي درخشد □

اگر بود و نبود زندان سياسى
 و تعداد زندانيان در يك کشور
 ملاکى است براى د مكراسى، حفسوق
 د مكراتيك و رعايت آزاديهاى سياسى.
 در عين حال معيارى است براى
 سنجش و ميزان مبارزه جارى و تداوم
 بيش انقلابى توده‌هاى و پسا فشارى
 مردم يك کشور براى كسب آزادى و
 تأمين حقوق د مكراتيك و رفع نابرابريها
 و استقرار حاكميتى مبتنى بر اراده
 اكثريت. از همين رو تعداد روز
 افزون زندانيان سياسى و قربانيان
 جنايات مستر رژيم، نه فقط شانه
 بارزودليل غير قابل انكار حاكميت

منتشر شده است

پیام‌کارگر



دکوت و انقلاب

ه روایت طبق نودهای

بخش اول:

در راه نشت ولایت لقبی

الف - پیغام

روزنامه «پیام‌کارگر» در تهران چاپ می‌شود. شماره ۴۸ - شماره ۱۳۳۳

رژیم قتها، این دست‌هاز زندان‌ها
 در این شماره از «پیام‌کارگر» به بررسی و تحلیل وضعیت زندان‌ها در ایران پرداخته شده است. در این شماره به موضوعات زیر پرداخته شده است:
 - وضعیت زندان‌ها در ایران
 - زندانیان سیاسی
 - حقوق زندانیان
 - مبارزه با رژیم مستبد

انتشارات: انتشارات «پیام‌کارگر»
 تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۳۳۳
 شماره تماس: ۱۳۳۳

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

صدای کارگر هفت ساعت از ساعت ۹ روی موج کوتاه ۷۵ متر برابری
۴ مگاهرتز پخش می‌کند.

برای ماهی هفت ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می‌کند.

برای یک و نیم روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می‌شود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسیارند؛ ساعات پخش و طول موج

صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و همکاران رسانند و

آسان را به صدای کارگر دعوت نماید!

برای تماس با

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و یا صدای کارگر

با آدرس زیر مکاتبه کنید

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w. Germany

با تشریح

بیگای ایگای

مکاتبه کنید!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر